

به یاد دکتر مهدی بیانی
(۱۲۸۵ - ۱۷ بهمن ۱۳۴۶)

کتاب ۰۰ (۰۲۱۵۲۹)
Beyani, Mehdi
27 Ekim 2015

چهل سال از درگذشت استاد خط‌شناس و کسی که بر هزارها نسخه خطی نظر کارشناسانه انداخته بود می‌گذرد. به همین مناسبت «نامه بهارستان» سزاوار دانست تا در این شماره برگی را به یاد باد او و به یادگار یکصدمین سال زاده شدن او برافزاید. بیانی اگر می‌بود نامش در صدر همکاران علمی این دفترها قرار می‌گرفت و قطعاً مقالات خوبی از او که نتیجه ممارست و بصیرت چهل سال عمر گذراندن با نسخ خطی بود در این مجله می‌آمد.

بیانی از خانواده‌ای بود که اهل ترسل و منشی‌گری بودند. جدش میرزا سلمان دارای خطی بود خوش. رساله‌ای که در موضوع سیاق به خط او باقی است حکایت از حسن خط او و آداب سنتی کتاب‌نویسی دارد. شادروان دکتر بیانی زمانی که آن رساله را به من نشان داد از ایشان اجازت گرفتم و به صورت نسخه برگردان در فرهنگ ایران زمین (۲۳: ۱۴۹-۱۷۷) به چاپ رسید. اسلوب خط مرحوم بیانی، هم از آن ریشه آب می‌خورد، خوش‌قلم و خوش‌نویس و حتی باید گفت که نمکین‌نویس بود. در تحریر نوشته‌هایی که جنبه مکتوبی داشت استاد بود. نوشته‌ای را با کمترین قلم خوردگی یک سره انشاء می‌کرد و در انتخاب کلمات بجا و مناسب تبخّر داشت.

ایشان را از وقتی که پایم به کتابخانه ملی (خیابان قوام السلطنه) باز شد، به هنگام تحصیل در سال دهم دبیرستان (رشته ادبی) - که اتفاقاً تا خانه ما نازده دقیقه راه بود - رئیس آن کتابخانه دیدم (سال ۱۳۲۱) و به چشم احترام بدو می‌نگریستم. عادتش این بود که اغلب روزها یک بار چند دقیقه‌ای به تالار قرائت عمومی سری می‌کشید و نگاهی به مطالعه‌کنندگان می‌کرد. مأمور مراقبت از جای خود برمی‌خاست و به همراه ایشان دور تالار می‌گشتند. سه چهار سالی پس از آن گاهی برای پرسش از کتابی به دفتر ایشان می‌رفتم. از آن جمله بود وقتی که از سفر یزد نسخه‌ای خطی از کتاب غیاثیه محمود بن الیاس طیب را با خود آورده بودم و می‌خواستم نسبت به قدمت آن آگاهی پیدا کنم (زیرا افتادگی اوراق داشت). و پیش از آن از ذبیح‌الله صفا در کلاس درس دبیرستان اجمالی درباره نسخه خطی شنیده بودم.

آغاز آشنایی با ایشان از آنجا بود. تا اینکه از سال ۱۳۳۰ در دانشکده حقوق به کتابداری رسیدم و با مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه هر چند یک‌بار به دیدن او می‌رفتم. در همان اوقات به اهتمام محمود فرهاد معتمد - عضو وزارت خارجه - که به جمع‌آوری نسخه‌های خطی علاقه مند بود (مخصوصاً آنچه مربوط به جدش فرهاد میرزا بود) و جعفر سلطان‌القرائی و عباس زریاب خوئی و سعید نفیسی و طبعاً محمدتقی دانش‌پژوه گاه‌به‌گاه جلساتی داشتیم در خانه‌ها یا در حجره سلطان‌القرائی (نزدیک چهارراه گلوبندک). صحبت‌ها یک‌سره درباره نسخه‌های خطی بود، ندره محمدتقی مدرس رضوی هم تشریف می‌آوردند. مهدی بیانی از شرکت‌کنندگان همیشگی بود. مرحوم بیانی به جلسات خانه جواد کمالیان هم می‌آمد. آنجا هم اغلب نسخه‌شناسان و ادبا جمع می‌شدند؛ از جمله ادیب بجنوردی، سید محمد مشکوة، جعفر سلطان‌القرائی، دکتر محسن صبا، دانش‌پژوه و من هم می‌رفتم.

چون دکتر محسن صبا در این اوقات به فکر تأسیس «انجمن دوستداران کتاب» افتاد، طبعاً از بیانی دعوت کرد. هسته مرکزی آن جمع مرکب بود از خود ایشان، دکتر مهدی بیانی، محمدتقی دانش‌پژوه و من. دکتر بیانی فعال عمده در این گروه بود. چند کتاب معتبر انجمن آنهاست که او در شناساندن و چاپشان اهتمام مبذول کرد.

بیانی در «انجمن فرهنگی ایران و شوروی» هم فعالیت داشت و چندی مدیریت مجله پیام نو و بعد پیام نوین را (پس از مرحوم سعید نفیسی) عهده‌دار شده بود.

در تجمع دیگری که ایشان را می‌دیدم «انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی» بود که کمیسیون ملی یونسکو به توصیه سازمان بین‌المللی یونسکو در ایران ایجاد کرد و حدود پانزده سال فعالیت مستمر داشت، عمده در دوران ریاست سیدحسین تقی‌زاده و بعد دکتر علی‌اکبر سیاسی، ولی هیچ‌به‌یاد ندارم که به مناسبت چه علت و آفتی این نشست و خاست دلچسب از هم پاشید. دو کار مهم این انجمن همت در چاپ و نشر فهرست کتابهای چاپی فارسی (تألیف خانبابا مشار) و دو جلد فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار (به‌اهتمام محمدتقی دانش‌پژوه و علی‌نقی منزوی بود). بادم است که نظر دکتر بیانی در جلسات انجمن که راجع به این دو کار صحبت می‌شد مؤثر و پشتیبان بود.

Mehdi Beyani

15 HAZIRAN 1993

09-930830

Bayānī, Mahdī.

Majmū'ah-i Duktur Mahdī Bayānī. — Chāp-i

1. — [Tehran?] : Intishārāt-i Farhang Sarā :

Nashr-i Amīn, 1363 [1985]

208 p. : facsims. ; 24 cm.

In Persian; romanized record.

Includes index.

350.00IR

For requesting libraries only.

(Specimens of calligraphy of an eminent
Iranian scholar and calligrapher)

فارسی، نوشته احمد مشکوة (۱۲۷۷-۱۳۵۷ش)، در این کتاب مفصل (۱۰۳۰ صفحه) نویسنده به بیان پیدایش و باورهای شیعی دوازده امامی می‌پردازد و جریان اسلام آوردن ایرانیان و گرایش ایشان به مذهب حقه جعفری امامی را در درازای تاریخ شرح می‌دهد و خدمات گرانبهایی را که ایرانیان به فرهنگ و معارف تمدن اسلام ارزانی داشته، بازگو می‌کند. فهرست برخی از مطالب کتاب (که دسته بندی و نظم ندارد) چنین است: (۱) پیدایش اسلام و بعثت پیامبر (ص) و ظهور مذهب تشیع در زمان او؛ (۲) واقعه غدیر خم و نصب شدن امیرالمؤمنین علی (ع) به امامت و جانشینی پیامبر و رهبری مسلمانان؛ (۳) دلایل حقانیت علی (ع) و شرح رویدادها پس از درگذشت پیامبر؛ (۴) روی کار آمدن خلفای سه گانه و آغاز فتوحات اسلامی در ایران؛ (۵) روی کار آمدن امیرالمؤمنین امام علی (ع) و حوادث دوران خلافت وی؛ (۶) روی کار آمدن امویان و شهادت امام حسین (ع) و دنباله وقایع تا انقراض امویان؛ (۷) روی کار آمدن عباسیان و ستمکاریهای ایشان بر عرب و ایرانی و دیگر اقوام اسلامی؛ (۸) انشعابهای تشیع و پیدایش زیدیان و اسماعیلیان؛ (۹) تشیع در ایران در قرن اول تا سوم هجری؛ (۱۰) ظهور سلسله‌های شیعی مذهب در ایران در قرن سوم و چهارم؛ (۱۱) ایلخانیان و تشیع؛ (۱۲) صفویان و رسمی شدن مذهب تشیع در ایران.

منبع: تاریخ تشیع در ایران، مشکوة کرمانی، ۱۳۵۸ش، تهران

محمد حسین روحانی

تاریخ جواهرات سلطنتی ایران، نوشته دکتر مهدی بیانی، به قطع رحلی بزرگ در ۱۳۷ صفحه همراه با هفت قطعه عکس رنگی مربوط به جواهرات ملی ایران. این کتاب به همت شادروان دکتر مهدی بیانی که مدتی ریاست موزه جواهرات سلطنتی را برعهده داشته، تدوین گردیده و پس از درگذشت او انتشار یافته است. در مقدمه درباره ویژگی این کتاب چنین آمده است: «شادروان دکتر بیانی، با بررسی تاریخها و سفرنامه‌هایی که از دوره صفویه تا پایان عصر قاجاریه نوشته شده است، و با جستجو در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی، توانست تاریخچه جواهرات سلطنتی ایران را تدوین کند. اما این کتاب، ضمن آن که به جستجوی تاریخچه جواهرات سلطنتی در زوایای تاریخ پانصد ساله اخیر ایران است، در واقع، بررسی شیرین و گاه دقیقی از مسائل سیاسی و اجتماعی این دوره نیز به شمار می‌آید...». کتاب در شش فصل تنظیم گردیده: وضع جواهرات ایران در دوره شاهنشاهان صفوی - دوره حمله افغان - دوره نادرشاه افشار - دوره پس از مرگ نادرشاه تا آغاز پادشاهی خاندان قاجار - دوره پادشاهی خاندان قاجار - دوره پادشاهی دودمان پهلوی.

است و چون پاره‌ای از مطالب آن در آثار دیگر یافت نمی‌شود، از اینرو در بازسازی تاریخ دقیق این ناحیه در دوره‌های یاد شده از اهمیت زیادی برخوردار است. نشر کتاب آمیخته با مفردات و ترکیبات و اشعار عربی و در مقایسه با دیگر آثار همعصر خود تا اندازه‌ای متکلفانه و دشوار است. تاریخ بی‌بیتی با تصحیح محققانه مرحوم احمد بهمنیار و مقدمه فاضلانه علامه محمد قزوینی به طبع رسیده است (تهران، ۱۳۱۷ش).

منابع: تاریخ ادبیات در ایران، ۳۱۲-۳۱۲/۲، ۱۹۹۳-۱۹۹۶؛ تاریخ

ایران از دوران باستان تا قرن هجدهم میلادی، ۲۳۱؛ تاریخ بی‌بیتی.

حسن انوشه

تاریخ پانصد ساله خوزستان، کتابی به فارسی در تاریخ خاندان مشعشعیان خوزستان نوشته سیداحمد کسروی. مؤلف دستمایه این کتاب را در مدت یک سال و سه ماهی که در دادگستری خوزستان کار می‌کرد (از زمستان ۱۳۰۲ تا بهار ۱۳۰۴ش) فراهم آورد و چون به تهران بازگشت با کمک منابعی که در این شهر به دست آورد، به ویژه کلام المهدی نوشته سید محمد مشعشع (م ۸۷۰ق) به تکمیل یادداشت‌های خود پرداخت و از مجموع آنها کتابی تألیف کرد که گذشته از داستان مشعشعیان و کعبیان، رویدادهای دیگر خوزستان را در پنج قرن اخیر در بر می‌گیرد و آن را تاریخ پانصد ساله خوزستان نامید. این کتاب با اینکه مانند برخی دیگر از نوشته‌های کسروی که در رد باورهای دیگران نوشته شده زبانی تند و خرده‌گیر دارد و گه‌گاه وی را از ارزیابی درست رویدادها دور می‌سازد، از منابع مهم تاریخ ناحیه خوزستان در قرنهای اخیر به شمار می‌رود و دارای آگاهیهای ارزشمندی درباره باورهای شیعی مردم این ناحیه است. کسروی کتابش را با شرح زندگی سید محمد و پسرش سید ولی و دعاوی مهدویت والوهیت آنها آغاز می‌کند و با گزارشی درباره چگونگی دستگیری شیخ خزعل آخرین فرمانروای قدرتمند خوزستان از خاندان مشعشعی (م ۱۳۵۵ق/۱۳۱۵ش) به پایان می‌برد. چون کسروی تاریخ پانصد ساله خوزستان را در زمانی نوشته که هنوز گرفتار سره نویسی نشده و اصرار در کاربرد واژه‌های مرده نداشته، نثری که در اینجا دارد با اینکه از فخامت عاری نیست بسیار ساده و روان است. این کتاب نخستین بار در ۱۳۱۳ش منتشر شد.

منبع: تاریخ پانصد ساله خوزستان. حسن انوشه

تاریخ تبریز - تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه

تبریز

تاریخ تشیع در ایران، کتابی تاریخی و کلامی به زبان

بیانی، مهدی

۵۱

تصحیح یک روایت، به او استناد کرده است. وی در سه سال آخر عمر به علت کهولت دچار نسیان و به قولی اختلال حواس شد و به همین دلیل از نقل روایت دست کشید. او در ۳۴۰ در قرطبه درگذشت (مقری، ج ۲، ص ۴۷-۴۹؛ سیوطی، ج ۲، ص ۲۵۱؛ ابن حجر عسقلانی، ج ۴، ص ۴۵۸؛ حمیدی، ص ۳۳۰-۳۳۱؛ ضبی، ص ۴۳۴؛ ذهبی، ج ۳، ۸۵۴). علمای بزرگ قرطبه، از جمله عبدالوارث بن سفیان، احمد بن محمد بن سعید معروف به ابن خسور، سعید بن نصر، احمد بن قاسم بن عبدالرحمان و نوه اش قاسم بن محمد بن قاسم بن اصبح، و دیگران از او روایت کرده اند (حمیدی؛ سیوطی؛ ذهبی، همانجاها؛ ضبی، ص ۴۳۲، ۴۳۴).

از جمله آثار اوست: سُتن که پس از رسیدن به عراق در ۲۷۶، در حالی که چند ماه از وفات ابوداود گذشته بود، به جبران محرومیت از درک حضور وی، طبق ابواب سنن او نوشته است؛ المجتبی (یا المجتبی)، مختصر کتاب مذکور که در ۳۲۴ آغاز به نگارش آن کرد. این کتاب را او براساس ابواب الْمُتَّقِی تألیف ابن جارود (محدث قرن دوم و سوم. متوفی ۳۰۷) نوشت و دارای ۲۴۹۰ حدیث در هفت جزء است؛ فضائل قریش؛ الناسخ و المنسوخ؛ غرائب حدیث مالک بن انس در خصوص آنچه در کتاب مُوطَّأ مالک نیامده است؛ الانساب؛ احکام القرآن؛ برالوالدین؛ کتاب الخمر؛ کتاب الصحیح که مانند صحیح مسلم نگاشته شده است (حمیدی، ص ۳۳۱-۳۳۲؛ ضبی، ص ۴۳۳-۴۳۴؛ مقری، ج ۲، ص ۴۸؛ ذهبی، همانجا؛ بغدادی، ج ۱، ستون ۸۲۶؛ زرکلی، ج ۵، ص ۱۷۳؛ سیوطی، همانجا).

منابع: ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، بیروت ۱۳۹۰/۱۹۷۱؛ اسماعیل بغدادی، هدیة العارفین، ج ۱، در حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۵، بیروت ۱۴۱۰/۱۹۹۰؛ محمد بن فروع حُثَیْدی، جذوة المقتبس فی ذکر ولایة الاندلس، مصر ۱۹۶۶؛ محمد بن احمد ذهبی، تذکرة الحفاظ، حیدرآباد دکن ۱۳۷۶-۱۳۷۸/۱۹۵۶-۱۹۵۸، چاپ افست بیروت [بی تا]؛ خیرالدین زرکلی، الاعلام، بیروت ۱۹۸۶؛ عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی، بغیة الوعاة فی طبقات اللغویین والنحاة، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر ۱۳۸۴/۱۹۶۴-۱۹۶۵؛ احمد بن یحیی ضبی، کتاب بغیة الملتتمس فی تاریخ رجال اهل الاندلس، مادرید ۱۸۸۴؛ احمد بن محمد مقری، نفع الطیب، چاپ احسان عباس، بیروت ۱۳۸۸/۱۹۶۸.

/ محمد باقر کریمیان /

بیانی، مهدی، بنیانگذار کتابخانه ملی ایران، کارشناس نسخه‌های خطی فارسی و نویسنده معاصر پدرش، میرزا محمدخان از خاندان دبیران و مستوفیان فراهان و نیای مادریش

آن تا نواحی اطراف مرز انتیگوا، هیچ اثری از رومیان یافت نشده است. آلفونسوی جنگجو^۲ در حمله معروف خود به اندلس، اندکی پیش از جنگ آرنسول^۳ (صفر ۵۲۰/مارس ۱۱۲۶)، از بیانه بدون تسخیر آن عبور کرد. شهر در ۶۳۸/۱۲۴۰، هنگامی که به دست فریدناند سوم افتاد، دو حصار داشت؛ دیوار داخلی که القصبه و مدینه را محصور می‌کرد، و دیواری بیرونی که نواحی مسکونی اطراف را دربر گرفته بود. مُدَجَّجُون^۴ [=عنوان مسلمانان اسپانیا پس از فتح آنجا به دست مسیحیان] که در بیانه باقی مانده بودند، در ۹۷۹/۱۵۷۱ به قُستاله^۵ [کاستیل] انتقال داده شدند، اما به فرمان شاه به آنها اجازه داده شد تا خروج نهاییشان در قرطبه مستقر باشند. مهمترین چهره سرشناس شهر ابو محمد قاسم بن اصبح بیانی^۶، محدث و لغوی بود که در ۲۴۷/۸۶۲ در بیانه زاده شد و در ۳۴۰/۹۵۱ در قرطبه درگذشت (مقری، ج ۲، ص ۴۷؛ یاقوت حموی، ج ۱، ص ۷۷۴؛ حمیری، ص ۵۹-۶۰).

منابع: [محمد بن محمد ادیسی، کتاب نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق، بیروت ۱۴۰۹/۱۹۸۹]؛ محمد بن عبدالله حمیری، صفة جزيرة الاندلس، منتخبة من کتاب الروض المعطار فی خیر الأقطار، چاپ لوی - پروانسال، [بی تا]؛ [احمد بن محمد مقری، نفع الطیب، چاپ احسان عباس، بیروت ۱۳۸۸/۱۹۶۸]؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، چاپ فریدناند وستنفلد، لایپزیگ ۱۸۶۶-۱۸۷۳، چاپ افست تهران ۱۹۶۵].

۱. هوئیچی میراندا (د. اسلام) /

بیانی، ابومحمد، قاسم بن اصبح، عالم، حافظ و محدث مالکی اندلسی قرن سوم و چهارم. در ۲۴۷، در بیانه^۶ زاده شد. در قرطبه از بقی بن مخلد^۷، محمد بن وضاح و مطرف بن قیس و دیگران استماع حدیث کرد. در ۲۷۴، همراه با چند نفر دیگر، از جمله محمد بن عبدالملک بن ایمن، برای شنیدن حدیث و آموختن علم رهسپار شهرهای مختلف شد. در مکه از محمد بن اسماعیل صائغ و علی بن عبدالعزیز، در کوفه از قاضی ابراهیم بن ابی العنس و ابراهیم بن عبدالله القصار و در بغداد از قاضی القضاة اسماعیل بن اسحاق و عبدالله بن احمد بن حنبل و محمد بن اسماعیل ترمذی و دیگران حدیث شنید. در ادبیات، از ابن قتیبه، مبرد، ثعلب و ابن جهم بسیار آموخت. از استادان مصری و قیروانی نیز استفاده‌ها برد و به اندلس بازگشت و در قرطبه ساکن شد. در آنجا مردم به او روی آوردند و در حدیث، رجال، عربیت، نحو و شعر از وی بهره بردند. بیانی آشنایی بسیاری با حدیث و رجال داشت و قرطبی در تفسیر خود، در

یادبود

Mehdi Beyani

وفات دکتر مهدی بیانی

از مصاحبتش لذت برمی گرفتیم و هنرهای او را خوب می شناختیم غمی نو بود که بر سر غمهای کهن گرانی آورد و داغ فراق سعید نفیسی و شادمان را تازه ساخت . مرحوم بیانی در رشته ادبیات به اخذ درجه دکتری از دانشگاه تهران نایل آمده بود و در مجامع ادبی و مراکز ایران شناسی جهان شناخته شده بود و به آرا و عقایدش در باب نسخه های خطی اعتبار خاص می نهادند و مکرراً به ما ملك خارجی دعوت شده و در کنفرانسها و کنگره ها شرکت کرده بود .

بیانی خطی خوش داشت . خطوط قدیم و قلمهای مختلف را نیک می شناخت . کتاب شناس و نسخه شناس بود . خود مجموعه ای گرانقدر از نسخ خطی قدیم جمع ساخته بود و مجموعه ای مهمتر و نفیس تر از کتب از مرقات و خطوط گرد آورده بود که از گنجینه های کم مانند است . ذوق ادبی و مایه علمی او را در تحقیقات تاریخی از آثاری که چاپ کرده است می توان دریافت و آنچه از زیر دست او نشر یافته است مرجع تحقیق و مراجعه و مفید فایده بسیار است .

سالهای دراز ریاست کتابخانه ملی را به عهده داشت و اساساً بنیانگذار آن مرکز علمی است . اوست که کتابهای سلطنتی و کتابخانه عمومی معارف قدیم را تحویل گرفت و با علاقه و حوصله مقدمات

دکتر مهدی بیانی (متولد سال ۱۲۸۵ شمسی) استاد دانشگاه تهران ، رئیس کتابخانه سلطنتی و مدیر مجله پیام نوین که از متخصصان بنام در شناخت خطوط



و نسخه شناسی و از مروجان حقیقی فن کتابداری و ایجاد کتابخانه در ایران بود از میان ما رفت و دلهای بسیار درسو کش بسوخت . مرگش زود رسید و هنوز به زمستان عمر نرسیده بود که تند باد اجل او را در ربود . برای ما یارانی که هر چهارشنبه او را می دیدیم و در مجمع دوستانه ادبی

برندگان جوایز سلطنتی بهترین کتاب

در سال ۱۳۴۵

دکتر غلامحسین مصاحب	برای تألیف	دایرةالمعارف فارسی (۱)
دکتر بقراط صفائی	برای تألیف	شیمی درمانی سرطانها
دکتر حسین سپاسگزاریان	برای تألیف	آفات انباری ایران و طرق مبارزه با آنها
دکتر ناصر گیتی	برای تألیف	فارما کولوژی پزشکی
دکتر مسعود انصاری	برای تألیف	ناسونالیسم و مبارزات ضد استعماری کشورهای افریقای شرقی
دکتر غلامحسین یوسفی	برای	تحقیق در قابوسنامه
کریم کشاورز	برای ترجمه	تاریخ ماد
حسینعلی هروی	برای ترجمه	فرهنگ البسة المسلمان
جودی فرمانفرمایان	برای نقاشی	کتاب مهمانهای ناخوانده
عباس یمینی شریف	برای تألیف	آوای نوگلان
مرتضی ممیز	برای نقاشی	کتاب آوای نوگلان
مهدی آذر یزدی	برای تألیف	قصه های تازه از کتابهای کهن و قصه های خوب برای بچه های خوب

موضوع انتشار راهنمای کتاب

بنا به تقاضای گروه بسیاری از خوانندگان و علاقه مندان راهنمای کتاب ، از این به بعد مجله به طور ماهانه انتشار می یابد ، و طبعاً مقداری از صفحات آن کاسته می شود و بهای هر شماره به جای ۳۰ ریال ۲۰ ریال خواهد بود .

این شماره را باید شماره اول و دوم و سوم محسوب داشت و شماره چهارم در تیر ماه منتشر خواهد شد . امیدواریم انتشار مجله به طور منظم و ماهانه بتواند موجبات رضای خاطر خوانندگان را فراهم آورد .

۱- این کتاب گرانقدر به سرپرستی آقای دکتر مصاحب تألیف شده و با صدور فرمان همایونی به عنوان اثر ممتاز میبایه شده است .

Mehdi Beyani

TRK

دکتر مهدی بیانی

فهرست نسخه‌های منشآت

کتابخانه خصوصی دکتر مهدی بیانی

مستخرج از صفحات ۴۳ تا ۴۹

دفتر دوم

نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

تهران-۱۳۴۱

چاپخانه دانشگاه تهران

به یاد دکتر مهدی بیانی
(۱۲۸۵ - ۱۷ بهمن ۱۳۴۶)

چهل سال از درگذشت استاد خط‌شناس و کسی که بر هزارها نسخه خطی نظر کارشناسانه انداخته بود می‌گذرد. به همین مناسبت «نامه بهارستان» سزاوار دانست تا در این شماره بزرگی را به یاد باد او و به یادگار یکصدمین سال زاده شدن او برافزاید. بیانی اگر می‌بود نامش در صدر همکاران علمی این دفترها قرار می‌گرفت و قطعاً مقالات خوبی از او که نتیجه ممارست و بصیرت چهل سال عمر گذراندن با نسخ خطی بود در این مجله می‌آمد. بیانی از خانواده‌ای بود که (اهل ترسل و منشی‌گری بودند). جدش میرزا سلمان دارای خطی بود خوش. رساله‌ای که در موضوع سیاق به خط او باقی است حکایت از حسن خط او و آداب سنتی کتاب‌نویسی دارد. شادروان دکتر بیانی زمانی که آن رساله را به من نشان داد از ایشان اجازت گرفتم و به صورت نسخه برگردان در فرهنگ ایران زمین (۲۳: ۱۴۹-۱۷۷) به چاپ رسید. اسلوب خط مرحوم بیانی، هم از آن ریشه آب می‌خورد. خوش قلم و خوش نویس و حتی باید گفت که نمکین‌نویس بود. در تحریر نوشته‌هایی که جنبه مکتوبی داشت استاد بود. نوشته‌ای را با کمترین قلم‌خوردگی یک سره انشاء می‌کرد و در انتخاب کلمات بجا و مناسب تبخّر داشت.

ایشان را از وقتی که پایم به کتابخانه ملی (خیابان قوام السلطنه) باز شد، به هنگام تحصیل در سال دهم دبیرستان (رشته ادبی) - که اتفاقاً تا خانه ما پانزده دقیقه راه بود - رئیس آن کتابخانه دیدم (سال ۱۳۲۱) و به چشم احترام بدو می‌نگریستم. عادتش این بود که اغلب روزها یکبار چند دقیقه‌ای به تالار قرائت عمومی سری می‌کشید و نگاهی به مطالعه‌کنندگان می‌کرد. مأمور مراقبت از جای خود برمی‌خواست و به همراه ایشان دور تالار می‌گشتند. سه چهار سالی پس از آن گاهی برای پرسش از کتابی به دفتر ایشان می‌رفتم. از آن جمله بود وقتی که از سفر یزد نسخه‌ای خطی از کتاب غیاثیه محمود بن الیاس طیب را با خود آورده بودم و می‌خواستم نسبت به قدمت آن آگاهی پیدا کنم (زیرا افتادگی اوزاق داشت). و پیش از آن از ذبیح‌الله صفا در کلاس درس دبیرستان اجمالی درباره نسخه خطی شنیده بودم. آغاز آشنایی با ایشان از آنجا بود. تا اینکه از سال ۱۳۳۰ در دانشکده حقوق به کتابداری رسیدم و با مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه هر چند یکبار به دیدن او می‌رفتم. در همان اوقات به اهتمام محمود فرهاد معتمد - عضو وزارت خارجه - که به جمع‌آوری نسخه‌های خطی علاقه‌مند بود (مخصوصاً آنچه مربوط به جدش فرهاد میرزا بود) و جعفر سلطان‌القرائی و عباس زریاب خوئی و سعید نفیسی و طبعاً محمدتقی دانش‌پژوه گاه‌به‌گاه جلساتی داشتیم در خانه‌ها یا در حجره سلطان‌القرائی (نزدیک چهارراه گل‌بندک). صحبت‌ها یکسره درباره نسخه‌های خطی بود، ندره محمدتقی مدرس رضوی هم تشریف می‌آوردند. مهدی بیانی از شرکت‌کنندگان همیشگی بود. مرحوم بیانی به جلسات خانه جواد کمالیان هم می‌آمد. آنجا هم اغلب نسخه‌شناسان و ادبا جمع می‌شدند؛ از جمله ادیب بجنوردی، سید محمد مشکوة، جعفر سلطان‌القرائی، دکتر محسن صبا. دانش‌پژوه و من هم می‌رفتم.

چون دکتر محسن صبا در این اوقات به فکر تأسیس «انجمن دوستداران کتاب» افتاد، طبعاً از بیانی دعوت کرد. هسته مرکزی آن جمع مرکب بود از خود ایشان، دکتر مهدی بیانی، محمدتقی دانش‌پژوه و من. دکتر بیانی فعال عمده در این گروه بود. چند کتاب معتبر انجمن آنهاست که او در شناساندن و چاپشان اهتمام مبذول کرد. بیانی در «انجمن فرهنگی ایران و شوروی» هم فعالیت داشت و چندی مدیریت مجله پیام نو و بعد پیام نوین را (پس از مرحوم سعید نفیسی) عهده‌دار شده بود.

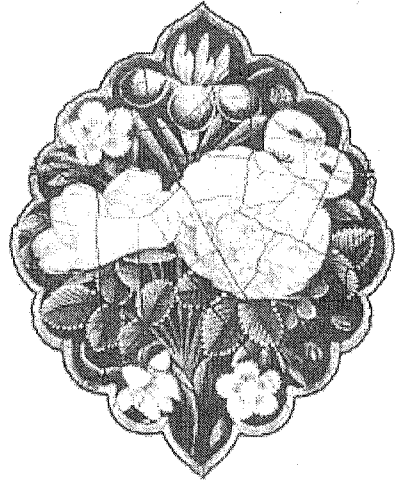
در تجمع دیگری که ایشان را می‌دیدم «انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی» بود که کمیسیون ملی یونسکو به توصیه سازمان بین‌المللی یونسکو در ایران ایجاد کرد و حدود پانزده سال فعالیت مستمر داشت، عمده در دوران ریاست سیدحسین تقی‌زاده و بعد دکتر علی‌اکبر سیاسی. ولی هیچ به یاد ندارم که به مناسبت چه علت و آفتی این نشست و خاست دلچسب از هم پاشید. دو کار مهم این انجمن همت در چاپ و نشر فهرست کتابهای چاپی فارسی (تألیف خانابا مشار) و دو جلد فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار (به‌اهتمام محمدتقی دانش‌پژوه و علی‌نقی منزوی بود). یادم است که نظر دکتر بیانی در جلسات انجمن که راجع به این دو کار صحبت می‌شد مؤثر و پشتیبان بود.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نامه بهارستان

مجله بین‌المللی مطالعات و تحقیقات نسخه‌های خطی

سال هشتم و نهم، ۸۷ - ۱۳۸۶
دفتر سیزدهم و چهاردهم



به یاد کار برگزاری مجمع‌شناسی متون زبان فارسی
به اتمام همسایرشناسی فرهنگستان علوم اطریش
این مجله ۱۳۸۷

نسخه‌های خطی اسلامی میراث فرهنگی ما و گامنامه مسلمانان جهان
کتابخانه انباشته

Handwritten signature or mark.

خود را مطابق فقه مالکی از او می‌پرسیدند (ابن فرضی، ۳۹۸/۱؛ ابن فرحون، ۲۲۲).

از جمله شاگردان وی می‌توان به فرزندش محمد، محمد بن عمر بن لبابه، سعید بن عثمان اعناقی، احمد بن خالد، محمد بن عبدالملک بن ایمن، اسلم بن عبدالعزیز و احمد بن جباب اشاره کرد (ابن فرضی، ۳۹۹/۱؛ حمیدی، نیز ذهبی، تذکره، همانجاها).

میل بیانی به خلق آثار بسیار بوده است (همو، سیر، ۳۲۹/۱۳). از جمله آثار او کتاب الايضاح فی الرد علی المقلدین در رد بر مخالفان مذهب شافعی (به خصوص مالکیان) است که به تقلید گرایش داشتند (ابن فرضی، ضبی، همانجاها؛ سبکی، ۳۴۵/۲). از دیگر آثار گزارش شده او، کتابی درباره خبر واحد است (ابن فرضی، سبکی، همانجاها). بغدادی تفسیری را به بیانی نسبت داده است (۳۰۲/۱) که با توجه به تصریح وی به مالکی بودن نویسنده آن و نیز عدم ذکر چنین اثری برای بیانی در منابع قدیم‌تر، نمی‌توان به صحت چنین انتسابی اطمینان حاصل کرد. شاید این کتاب نوشته هم نام وی، قاسم بن یسار فقیه مالکی (د ۳۵۳/ق ۹۶۴ م) باشد (نک: قاضی عیاضی، ۴۴۲/۴).

مأخذ: ابن فرحون، ابراهیم، اللبایح المذهب، قاهره، ۱۳۵۱ ق؛ ابن فرضی، عبدالله، تاریخ العلماء و الرواة للعلم بالاندلس، به کوشش عزت عطار حسینی، قاهره، ۱۳۰۸ ق/۱۹۸۸ م؛ بغدادی، ایضاح، حمیدی، محمد، جذوة المقتبس فی تاریخ علماء الاندلس، به کوشش محمد بن تاویط طنجه، قاهره، ۱۳۷۲ ق/۱۹۵۲ م؛ ذهبی، محمد، تذکره الحفاظ، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۸ ق/۱۹۶۸ م؛ همو، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعیب ارنؤوط و دیگران، بیروت، ۱۴۰۲ ق/۱۹۸۲ م؛ همو، العیر، به کوشش فؤاد سید، کویت، ۱۴۰۴ ق/۱۹۸۴ م؛ سبکی، عبدالوهاب، طبقات الشافعیة الکبری، به کوشش عبدالفتاح محمد حلو و محمود محمد طناحی، قاهره، ۱۳۸۳ ق/۱۹۶۴ م؛ ضبی، احمد، بنية الملتس، بیروت/قاهره، ۱۹۶۷ م؛ قاضی عیاض، ترتیب المدارک، به کوشش احمد بکیر محمود، بیروت/طرابلس، ۱۳۸۷ ق/۱۹۶۷ م؛ مقرئ، احمد، نفع الطیب، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۳۸۸ ق/۱۹۶۸ م.

بیانی، خواجه شهاب الدین، نک: مروراید.

بیانی، مصطفی جارالله زاده (د ۱۰۰۶ ق/۱۵۹۷ م)، شاعر و تذکره‌نویس ترک در دوران عثمانی. وی در روسجق (از شهرهای بلغارستان) زاده شد. پدرش جارالله نام داشت و به همین سبب، به جارالله زاده شهرت یافت (لوند، I/286؛ قنالی زاده، ۲۲۹/۱؛ عطایی، ۴۶۶). او تحصیلات خود را در زادگاهش آغاز کرد و سپس برای ادامه آن به استانبول رفت («دائرة المعارف دیانت»، II/32). آنجا نزد محمد چلبی فرزند شیخ الاسلام ابوالسعود دانش آموخت و سپس به خدمت ابوالسعود درآمد و مورد عنایت وی قرار گرفت (عطایی، همانجا؛ قنالی زاده، ۲۳۰/۱؛ سامی، ۱۴۲۳/۲).

بیانی قواعد خوش‌نویسی را از شکرالله خلیفه فرا گرفت و از وی اجازه تعلیق یافت و کتاب تفسیر ابوالسعود را تحریر کرد (مستقیم‌زاده، ۵۴۶؛ قنالی زاده، عطایی، همانجاها). وی پس از تکمیل تحصیلات به عنوان مدرس مدرسه «کسیتل» تعیین گردید. چندی نیز قاضی خاوران

شد (عطایی، لوند، همانجاها)؛ سپس به حج رفت و در بازگشت به طریقت خلوتیه پیوست و مرید شیخ اکمل شد (بروسه‌لی، ۹۸/۲؛ قنالی زاده، عطایی، همانجاها). پس از وفات شیخ، در ۹۸۵ ق/۱۵۷۷ م بنا به وصیت وی جانشین او گردید (ثریا، ۳۷۹/۴؛ مستقیم‌زاده، عطایی، همانجاها)؛ بیانی حدود ۲۰ سال شیخ خانقاه صوفیان خلوتیه بود و سرانجام در استانبول وفات یافت و در همان زاویه مدفون شد (مستقیم‌زاده، ۵۴۷؛ «دائرة المعارف دیانت»، نیز ثریا، همانجاها).

بیانی در نظم و نثر، به ویژه در نظم عربی مهارت داشت. او یکی از قصاید عربی ابوالسعود را تخریب کرد (لوند، I/287؛ ثریا، عطایی، همانجاها). بیانی به ترکی نیز شعر می‌سرود (لوند، همانجا)، اما دیوان مدونی ندارد و تنها در بعضی از مجموعه‌ها قطعاتی از اشعار وی را می‌توان یافت («دائرة المعارف زبان...»، I/412).

مهم‌ترین اثر بیانی تذکره الشعراء اوست. این اثر به گفته خودش در واقع تلخیص تذکره الشعراء حسن چلبی قنالی زاده است (لوند، همانجا). وی همچنین احوال برخی از شاعرانی را که بعد از تألیف تذکره قنالی زاده (۹۹۴ ق/۱۵۸۶ م) به شهرت رسیده بودند، به تذکره خود افزوده است (بروسه‌لی، همانجا؛ «کاتالوگها...»، ش 386).

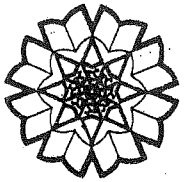
تذکره بیانی از دو بخش تشکیل یافته است: در بخش اول ۵ پادشاه و ۳ شاه‌زاده شاعر، و در بخش دوم به ترتیب حروف الفبا ۲۴۰ شاعر سده‌های ۹-۱۰ ق/۱۵-۱۶ م جای گرفته‌اند (لوند، I/287-290؛ «کاتالوگها»، همانجا). بیانی تألیف این تذکره را در ۱۰۰۰ ق/۱۵۹۲ م به پایان رسانده است. دست‌نویسهای تذکره بیانی در کتابخانه دانشگاه استانبول، بخش خالص افندی (فلاشر، 336)، کتابخانه ملت و کتابخانه ولی‌الدین افندی نگهداری می‌شود («دائرة المعارف دیانت»، همانجا).

مأخذ: بروسه‌لی، محمدطاهر، عثمانلی مؤلفاری، استانبول، ۱۳۳۳ ق/۱۹۱۵ م؛ ثریا، محمد، سجل عثمانی (تذکره مشاهیر عثمانی)، استانبول، ۱۳۰۸ ق؛ سامی، شمس‌الدین، قاموس الاعلام، استانبول، ۱۳۰۶ ق/۱۸۸۹ م؛ عطایی، عطاءالله، حدائق الحقائق فی تکملة الشقائق، به کوشش عبدالقادر اوزجان، استانبول، ۱۹۸۹ م؛ قنالی زاده، حسن، تذکره الشعراء، به کوشش ابراهیم قنلو، آنکارا، ۱۹۸۹ م؛ مستقیم‌زاده، سلیمان سمدالدین، تحفة خطاطین، استانبول، ۱۹۲۸ م؛ نیز:

Fleischer, C.H., *Bureaucrat and Intellectual in the Ottoman Empire*, New Jersey, 1986; *Istanbul kütüphaneleri tarih-coğrafya yazmaları katalogları*, İstanbul, 1943; Levend, A. S., *Türk edebiyatı tarihi*, Ankara, 1984; *Türk dili ve edebiyatı ansiklopedisi*, İstanbul, 1977; *Türkiye diyanet vakfı İslâm ansiklopedisi*, İstanbul, 1992. جلال خسروشاهی

بیانی، مهدی (۱۲۸۶-۱۳۴۶ ش/۱۹۰۷-۱۹۶۸ م)، کارشناس نامی شناخت خطوط اسلامی و نسخه‌های خطی، بنیان‌گذار کتابخانه ملی و از مروجان فن کتابداری و ایجاد کتابخانه در ایران. او از خانواده مستوفیان فراهان، و نواده میرزا سلمان بیان‌السلطنه، رئیس بیوتات سلطنتی بود که نام خانوادگی‌اش برگرفته از لقب اوست. بیانی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند، لیسانس فلسفه و

1. Türkiye... 2. Türk... 3. İstanbul...



مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

دائرة المعارف بزرگ اسلامی

جلد
نهم

بونه‌سرای - پوریای ولی

زیر نظر

کاظم موسوی خبهنوری

تهران، ۱۳۸۳

Türkiye Diyanet	
İslâm Araştırmaları	
İslâm Kütüphanesi	
Doc. No:	88200
İs. No:	
Pub. No:	
Tas. No:	